

تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه: نگاهی به

داستان حضرت مریم علیها السلام

ناظره بتول^۱، مریم برقعی^۲

چکیده

تکفل و سرپرستی کودکان یکی از موضوعات مهم در آموزه‌های اسلامی است که هم از منظر عاطفی و اخلاقی و هم از جنبه حقوقی و فقهی اهمیت ویژه‌ای دارد. فقه امامیه، به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فقه اسلامی، احکام و مقررات جامعی را در مورد سرپرستی کودکان ارائه داده است. سرپرستی نه تنها یک وظیفه فردی، بلکه مسئولیتی اجتماعی برای تقویت بنیان‌های اخلاقی و انسانی جامعه به شمار می‌رود. قرآن کریم، در جایگاه منبع اصلی شریعت اسلامی، در داستان حضرت مریم علیها السلام و سرپرستی ایشان توسط حضرت زکریا علیه السلام، الگویی بارز از مسئولیت‌پذیری و تکفل ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه و با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و داستان حضرت مریم علیها السلام، به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مبانی فقهی و مفاهیم قرآنی، این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. ابتدا شرایط، احکام و وظایف سرپرستان در فقه امامیه تحلیل شده و سپس این مفاهیم در پرتو داستان حضرت مریم علیها السلام بررسی شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم الگویی عملی و الهام‌بخش از مسئولیت‌پذیری و حمایت از کودکان نیازمند ارائه می‌دهد و داستان حضرت مریم علیها السلام نمونه‌ای از سرپرستی و تأمین نیازهای مادی و معنوی، شامل تربیت اخلاقی و رشد روحی کودکان است.

واژگان کلیدی: کودک، حقوق کودکان، سرپرستی، حضانت.

۱. طلبه دکتری فقه خانواده، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email:mumtaznazira1@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران / رئیس پژوهشکده فقه و مبانی حقوق، جامعه‌الزهرا، قم، ایران.

Email:m.borqhei@yahoo.com

۱. مقدمه

دوره کودکی دوران ضعف و نیازمندی است. (ر.ک.، حج: ۵؛ روم: ۵۴؛ غافر: ۶۷) در این دوران، خداوند خود کفالت کودکان را برعهده گرفته و از والدین خواسته است تا به حقوق کودکان پایبند باشند و از هرگونه ضرر و زیان به آنان خودداری کنند. تکفل و سرپرستی کودکان یکی از موضوعات اساسی و بنیادین در جوامع انسانی است که از جنبه‌های دینی، اخلاقی، حقوقی و اجتماعی قابل بررسی است. در ادبیات اسلامی، سرپرستی و تکفل کودکان جایگاه والایی دارد و یکی از وظایف اخلاقی و اجتماعی مسلمانان محسوب می‌شود. فقه امامیه، به عنوان یکی از منابع اصلی استنباط احکام اسلامی، توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته و قواعد و مقرراتی در این زمینه وضع کرده است. احکام مرتبط با تکفل و سرپرستی در فقه امامیه، نه تنها به مسائل حقوقی و تکالیف سرپرستان می‌پردازد، بلکه جنبه‌های تربیتی، عاطفی و معنوی این امر را نیز در نظر می‌گیرد. در قرآن کریم به این موضوع بسیار تأکید شده است. در مورد سرپرستی حضرت مریم علیه السلام آمده است: «ذلک من أنبياء الغيب نوحيه إليك وما كنت لديهم إذ يلقون أقلامهم أيهم يكفل مریم وما كنت لدیهم إذ یختصمون؛ (ای پیامبر!) این از خبرهای غیبی است که به تو وحی می‌کنیم و تو در آن هنگام که قلم‌های خود را (برای قرعه‌کشی) به آب می‌افکنند تا کدام یک کفالت و سرپرستی مریم را عهده‌دار شود و (نیز) به هنگامی که دانشمندان بنی اسرائیل برای کسب افتخار سرپرستی او با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی و همه اینها از راه وحی به تو گفته شد» (آل عمران: ۴۴).

حضرت علی علیه السلام در مورد حضانت در اسلام احکامی را بیان کرده است (مجلسی، ۱۳۹۸/۹۲). قرآن کریم، در جایگاه منبع اصلی شریعت اسلامی، در آیات متعدد به اهمیت سرپرستی کودکان و مسئولیت پذیری در قبال افراد نیازمند تأکید کرده است. یکی از داستان‌های الهام‌بخش در این زمینه، داستان حضرت مریم علیه السلام و سرپرستی ایشان توسط حضرت زکریا علیه السلام است که در سوره آل عمران با بیانی زیبا و تأثیرگذار نقل شده است. این داستان نه تنها نمونه‌ای عملی از تکفل و سرپرستی کودکان ارائه می‌دهد، بلکه نشان دهنده ارزش‌های انسانی و الهی مرتبط با این موضوع

است. حضرت زکریا علیہ السلام با پذیرش سرپرستی حضرت مریم علیہ السلام، الگویی از تعهد و مسئولیت پذیری در قبال کودکان نیازمند ارائه می دهد.

پژوهش حاضر با محوریت داستان حضرت مریم ﷺ در قرآن کریم، ابعاد مختلف تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه را مورد بررسی قرار داده است. هدف این مطالعه، تحلیل تطبیقی بین آموزه‌های قرآنی و قواعد فقهی و تبیین جایگاه این موضوع در نظام حقوقی و تربیتی اسلام است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع فقهی و تفسیری، به پرسش‌هایی مانند شرایط و احکام سرپرستی در فقه امامیه، وظایف سرپرستان و ارتباط آن با آموزه‌های قرآنی پاسخ می‌دهد. توجه به این مباحث، زمینه‌ساز ارائه راهکارهایی برای حل چالش‌های مرتبط با سرپرستی کودکان در جوامع اسلامی است و الگویی جامع برای حمایت از کودکان نیازمند و بی‌سرپرست فراهم می‌کند. هدف این مقاله، ارائه رویکردهای نوین در زمینه تکفل و سرپرستی کودکان با بررسی داستان‌های قرآنی است. یافته‌های داستان حضرت مریم ﷺ تأکید بر جنبه‌های اخلاقی، عاطفی و تربیتی در سرپرستی کودکان دارد.

یکی از دغدغه‌های نظام‌های حقوقی در بسیاری از کشورهای جهان، مسئله آموزش و تربیت نسل آینده است؛ زیرا کودکان آینده سازانی هستند که حقوقی دارند و تکلیف اجرای آن بر عهده دولت و خانواده است. محقق به دنبال پاسخ به این سؤال است که تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه با توجه به داستان، حضرت مريم عليها السلام حگمه است.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. کوہ دک، لغت

کودک به معنای صغیر و فرزندی است که به حد بلوغ نرسیده باشد. (معنی: ۱۳۷۹/۳/۳۱۱۷)

۲-۲. کودک در اصطلاح

دوره کودکی شامل مراحل مختلفی است؛ ابتدای سه سالگی، پرورش اندام و تقویت غذا آغاز می‌شود و از سه سالگی تا هفت سالگی دوره هوشیاری کودک است. در این دوران، کودک ابتدا آلت تناسلی خود را می‌شناسد و از هفت سالگی تا بلوغ، فرد از کودکی خارج شده و مسائل جنسی برای

او حل می‌شود و نسبت به زندگی اجتماعی علاقمند می‌گردد. دوران کودکی، دوره‌ای ویژه است که قانون، طرز تفکر و روحیه مخصوص به خود دارد و بزرگسالان، هرچند خود یک روز کودک بوده‌اند، نمی‌توانند به طور کامل در وجود کودک نفوذ کنند. (شکیباپور، ۱۳۶۳، ص ۳۳۲)

۳-۲. کفالت

کفالت در لغت عرب، اسم مصدر و به معنای ضمان و تعهد است. واژه کفالت اعم از ضمان است؛ به طوری که اگر متعلق آن مال باشد، به صورت «تکفلت المال» معنای ضمان می‌دهد و چنانچه متعلق آن نفس باشد، و گفته شود «تکفلت النفس»، در معنی کفالت به کار گرفته می‌شود. (رازی، ۱۳۱۰)

۴-۲. کفالت در اصطلاح

در اصطلاح فقهی، برخی کفالت را به معنای تعهد به نفس تفسیر کرده‌اند؛ یعنی به موجب آن، کفیل متعهد می‌شود مکفول را که نسبت به مکفول له متعهد و بدھکار است، برای متعهدله حاضر کند (شهیدثانی، ۱۳۸۹، ۱۵۱/۴). کفالت اعم از حضانت است. حضانت از «حصن» به معنای حدفاصل زیر بغل تا پهلو است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۱۲۲/۱۳) و پهلو نیز در این معنا لحاظ می‌شود (ابن اثیر جزئی، ۱۳۸۴، ۴۰۰/۱).

حضورت به معنای حفظ و صیانت است (خوانساری، ۱۴۰۵، ۴۷۲/۴) و در اصطلاح، به معنای ولایت بر طفل و مجنون برای تربیت و انجام امور مرتبط با تربیت است. والدین به طور کلی بر فرزند ولایت دارند و با اقدام نکردن مادر، ولایت او ساقط نمی‌شود؛ بلکه حضانت برای پدر ثابت شده و در صورت اقدام نکردن پدر، ولایت بر پدر وجود ثابت می‌شود. در صورت عدم اقدام این افراد، ولایت بر عهده حاکم و سپس عدول مؤمنین قرار می‌گیرد (خوانساری، ۱۴۰۵، ۴۷۳/۴).

۵-۲. تعریف فقه‌ها از کفالت

کفالت به معنای اقتدار و تسلط بر کودک در انجام امور و ارائه خدمات لازم در دو بعد پرورش جسمانی و تربیت عاطفی و اخلاقی و تأمین امنیت روانی است. (شیخ طوسی، ۱۳۶۳، ۲۳۸/۳)

۳. وظایف والدین

کودکان در دوره کودکی حقوقی برگردن والدین دارند؛ زیرا این دوره دوران ضعف است (ر.ک.، حج: ۵؛ روم: ۶۷؛ غافر: ۵۴) و تأکید بیشتری بر حقوق کودکان از سوی خداوند شده است.

۱-۳. انتخاب همسر و شیر مادر

در روایات اسلامی بر انتخاب همسر شایسته و مادر خوب برای کودکان بسیار سفارش شده است و انتخاب همسر زیبا که در خانواده ناسالم رشد کرده و «حضراء الدمن» است، نکوهش شده است. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۹/۱۴) نقش مادر در شکل‌گیری شخصیت کودک بسیار مهم است و حتی دوران شیرخوارگی نیز تأثیر بسزایی دارد. پاکی مادر در شکل‌گیری شخصیت کودک مؤثر است (ر.ک.، مریم: ۲۸-۳۰) و این تأثیر از زمانی که کودک در رحم است تا دوران شیرخوارگی و بعد از آن ادامه می‌یابد (ر.ک.، بقره: ۲۳۳).

۲-۳. عدالت و انصاف

عدالت عبارت است از: محبت و توجه به فرزندان و پرهیز از هرگونه تبعیض میان آنها. پیامبر ﷺ رعایت عدالت حتی در تعداد بوسیدن فرزندان را مهم دانسته و فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّىٰ فِي الْقَبْلِ؛ هُمَا نَخْدَوْنَدُوْسْتَ دَارَدَ كَهْ مِيَانْ فَرْزَنْدَانْ خَوْدَ بَهْ عَدَالَتْ رَفْتَارْ كَنِيدَ، حَتَّىٰ دَرْ بُوسِيَدَنْ» (متقی، ۱۴۱۹، ۴۴۵۰/۱۶). عدالت، فرزندان را به تعادل روحی می‌رساند و به آنها امید و اعتماد به نفس می‌دهد و همچنین آنان را از کینه‌توزی، احساس حقارت یا سرکشی و ستیزه جویی محافظت می‌کند.

۳-۳. آموزش و تربیت کودکان

خداوند در آیات ۵ و ۸ سوره نساء از مؤمنان خواسته است تا برخوردي شایسته و سازنده در گفتار و رفتار با کودکان داشته باشند. امام صادق علیه السلام دوران کودکی را دوران سفاهت می‌شمارد که با تربیت مربیان و استفاده از ابزارهای گوناگون، از جمله تغذیه و آموزش و پرورش، این سفاهت به بلوغ و رشد فکری، اقتصادی، جسمی و جنسی تبدیل می‌شود (عروسوی حویزی، ۱۴۱۵، ۴۴۲/۲).

۴. حکم سرپرستی کودکان در فقه امامیه

در ابواب ارت، حدود، قصاص، دیات، نکاح، طلاق و ولایت، شماری از منابع فقهی شیعی به پیروی از برخی منابع حدیثی در باب «احکام الاولاد» در خلال مباحث نکاح، به بسیاری از حقوق کودک و فرزند پرداخته‌اند؛ هرچند شماری از این مسائل، آدابی مستحب درباره فرزندان است (ابن زهره، ۱۴۱۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹؛ ۳۱۳/۸؛ نجفی، ۲۲۲/۳۱، ۱۹۸۱؛ انصاری، ۱۴۱۵). (۴۸۹/۱)

۱-۱. شرایط سرپرست

۱-۱. عقل: کسی که می‌خواهد نگهداری و تربیت کودک را بر عهده بگیرد، باید سلامت عقلی داشته باشد؛ زیرا بدون عقل، فلسفه حضانت از بین می‌رود. فقهاء نیز این شرط را پذیرفته‌اند و مذاهب چهارگانه اهل سنت و شماری از فقهاء شیعه بر آن اتفاق نظر دارند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳؛ علامه حلى، ۱۴۱۳؛ خوانساری، ۱۴۱۳؛ بحرانی، ۱۱۸۵؛ نجفی، ۱۳۹۹)

۱-۲. قدرت نگهداری و سرپرستی: سرپرست و نگهدارنده باید سلامت جسمانی داشته باشد و به بیماری‌های واگیردار مبتلا نبوده و مسن نباشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳؛ ۷۲۶/۱) شهید اول نیز از قول برخی این شرط را بیان کرده و به حدیث نبوی استناد جسته است: «فر من المجدوم فرارک من الاسد» (حر عاملی، ۱۴۱۲؛ ۴۳۱/۸). صاحب حدائق این شرط را نمی‌پذیرد (بحرانی، بی‌تا، ۹۱/۲۵؛ نجفی، ۱۳۹۲؛ ۲۸۹/۳۱).

۱-۳. شایستگی اخلاقی: اگر سرپرست و نگهدارنده سلامت اخلاقی نداشته باشد، تربیت کودک در معرض خطر قرار می‌گیرد. گروهی از فقهاء، عدالت را در سرپرست و نگهدارنده لازم دانسته‌اند. (ر.ک.، شیخ طوسی، ۱۳۶۳، ۴۰/۶؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۶۹/۱؛ بحرانی، بی‌تا، ۹۳/۲۵) برخی دیگر عدالت را لازم نمی‌دانند؛ زیرا تیمارداری و نگهداری کودک از مهربانی مادر سرچشمeh می‌گیرد و ربطی به عدالت ندارد (نجفی، ۱۳۹۲؛ ۲۸۹/۳۱؛ حلى، ۱۴۱۹؛ ۱۰۲/۳؛ حلى، ۱۳۵۷؛ ۲۶۵/۳). شهید ثانی، فاسق نبودن را شرط دانسته، نه عدالت را (عاملی، ۱۳۸۱؛ ۵۸۲/۱). از مجموع سخنان روشن می‌شود که شرط بودن یا نبودن عدالت، مستنده به روایت یا نص خاصی در مسئله نیست و

فقها در پذيرش آن به فلسفه حضانت نظر دارند. بنابراين، در مسئله سرپرستي و نگهداري، باید نکات اخلاقی در سرپرست و نگهدارنده رعایت شود تا در تربیت کودک مؤثر باشد.

۴-۱-۴. اسلام: برخی فقهاء امامیه می‌گویند: «کسی که از کودک نگهداری می‌کند باید مسلمان باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۳۳۶/۲؛ طوسی، ۱۳۸۱، ۵۸۱/۱؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۶۸/۱؛ بحرانی، بی‌تا، ۹۰/۲۵).

اول) دليل مهم فقهاء شيعه: دليل مهم فقهاء شيعه وكساني که اين شرط را پذيرفته‌اند، آيه و روایت زير است: «و لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۱). شهيدثانی، فاسق نبودن را شرط دانسته، نه عدالت را (عاملی، ۱۳۸۱، ۵۸۲/۱). بنابراين، چون سرپرستي و نگهداري به گونه‌اي سلطه است، باید از فردی باشد که در هدایت کودک مؤثر است. صاحب جواهر بعد از ذكر اين دو دليل می‌نويسد: «مسلمان از کافر برای نگهداري کودک مسلمان سزاوارتر است؛ زيرا ترس آن می‌رود که در کودک روحیه‌ای به وجود آید که سبب انحراف عقیده او شود و مطابق اخلاق و ملکات او رشد نکند» (نجفي، ۱۳۹۲، ۲۸۷/۳۱).

۴-۱-۵. سکنى در محل ثابت: شيخ طوسى قائل است: «اگر سفر مادر از روستا به شهر باشد، او سزاوارتر است برای نگهداري کودک». (طوسی، ۱۳۶۳، ۴۰/۶) برخی علماء قول شيخ را پذيرفته‌اند (عاملی، ۱۴۱۳، ۵۸۲/۱، ۱۳۸۱). صاحب مدارک براین باور است که مسئله دليل روشني ندارد (عاملی، ۱۴۱۳، ۴۶۹/۶). صاحب جواهر اين شرط را نمی‌پذيرد و اطلاق دلایل حضانت را حاكم می‌داند (نجفي، ۲۸۹/۳۱، ۱۳۹۲). شيخ نيز در كتاب «خلاف» همین قول را پذيرفته است (طوسی، ۱۳۶۹، ۸۳/۳).

۴-۱-۶. عدم ازدواج مادر: اگر نگهداري کودک برعهده مادر باشد و مادر ازدواج کند و پدر زنده باشد، حق سرپرستي مادر از بين می‌رود. اين حكم بين فقهاء شيعه اجتماعي است (شيخ مفيد، ۱۳۶۹، ۴۱/۶؛ طوسی، ۱۳۶۹، ۸۳/۳؛ عاملی، ۱۳۸۱، ۵۸۲/۱؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۶۹/۱؛ بحرانی، بی‌جا، بی‌تا، ۹۲/۲۵؛ نجفي اصفهاني، ۱۳۹۲، ۲۹۲/۳۱؛ حلی، ۱۴۱۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۹، ۱۰۲/۳).

۴-۱-۷. سرپرستي و نگهداري کودک در صورت جدابي پدر و مادر به طلاق: به اتفاق نظر فقهاء ما، در روایات قيد دو سال مطرح نشده است، بلکه عنوان «رضاع و فطام» ذكر شده است.

چون دوران شیردهی غالباً بیش از دو سال نیست، ملاک دوره‌ای که کودک باید در اختیار مادر باشد، دو سال در نظر گرفته شده است (حلی، ۱۳۶۹، ۵۱۴/۲؛ بحرانی، بی‌تا، ۸۸/۲۵؛ صاحب جواهر، ۱۳۹۲، ۲۹۰/۳۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۳۱۲/۲-۳۱۳؛ فخرالمحققین، حلی، ۱۳۵۷، ۲۶۴/۳-۲۶۵؛ شهید اول، ۱۳۶۹، ۴۵۸/۵-۴۵۹؛ محقق حلی، ۱۴۱، ۱۹۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۵۷۷/۲؛ مروارید، ۱۴۱۰، ۲۰۴/۱۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۱۰۱/۱؛ فاضل ابی، ۱۴۱۰، ۲۰۰/۲-۲۰۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۵، ۳۷۲-۳۷۱/۲؛ طباطبایی، ۱۱۹۲، ۱۹۱/۲-۱۹۲؛ مجلسی اول، ۱۳۴۶، ۱۵۲/ص).

صاحب جواهر می‌نویسد: «آیا اگر کودک پیش از دو سال از شیر گرفته شد، دوران نگهداری به پایان می‌رسد، چنانچه در روایت آمده: "فاذ اذا فطّم فالاب احق منها؟" در نتیجه، دوران کودکی سزاوار است پیش مادر باشد» (نجفی، ۱۳۹۲، ۲۹۰/۳۱).

۴-۱-۸. سرپرستی کودک در صورت مرگ پدر یا مادر: این مسئله مورد اتفاق فقهاست که با مرگ یکی از والدین، نگهداری و سرپرستی کودک به دیگری منتقل می‌شود، حتی اگر مادر ازدواج کرده باشد یا برای کودک وصی و قیم تعیین شده باشد (طوسی، ۱۳۶۳، ۴۳/۶-۴۴؛ طوسی، ۱۳۶۹، ۵۹، ۸۵/۳؛ حلی، ۱۳۹۸، ۴۲۶/۳، ۱۴۱۳؛ عاملی، ۹۵/۲۵؛ بحرانی، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۹۲؛ عاملی، ۱۳۶۹، ۲۹۳/۳۱؛ عاملی، ۱۳۶۹، ۴۵۹/۵؛ طباطبایی، ۱۱۹۲).

بازدارندگی ازدواج مادر از سرپرستی کودک زمانی است که پدر کودک زنده باشد. به مقتضای نص قانونی، در مواردی که نزاع درباره کودک بین وارثان پیش آید، مادر برای سرپرستی سزاوارتر است، به شرط اینکه ازدواج نکرده باشد. (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ۵۸۲/۱) صحیحه ابن سنان نیز براین مطلب دلالت دارد: «ولیس للوصى ان يخرجه من حجرها حتى يدرك ويدفع اليه ماله» (حرعاملی، ۱۳۸۱، ۱۷۹/۱۵). در صورت مرگ هر دو والد، طبق قول مشهور، سرپرستی به جد پدری منتقل می‌شود؛ زیرا او ولایت بر مال و دیگر امور کودک را دارد (نجفی، ۱۳۹۲، ۲۹۶/۳۱).

۵. عوامل مؤثر در داستان قرآنی حضرت مریم علیها السلام

۵-۱. توصیف اجمالی حضرت زکریا

- حضرت زکریا علیه السلام پیامبر الهی است؛
- نام مبارک حضرت زکریا در قرآن هفت بار در سه سوره آمده است؛
- نسب او از پسر یعقوب نبی است (شبسنتری، ۱۳۷۹، ص ۳۹۷) و از نوادگان دختری حضرت داود است (نیشاپوری، ۱۳۸۶، ص ۳۱۰)؛
- حضرت زکریا شوهر خاله حضرت مریم علیها السلام است (طبرسی، ۱۴۱۲/۱، ۴۳۶).

۵-۲. حضرت مریم علیها السلام تحت کفالت زکریا

در زمان کودکی حضرت مریم علیها السلام، پدرش عمران از دنیا رفت و برای مراقبت او، مادرش او را به بیت المقدس برد و تسليم عابدان و پارسایان مقیم آنجا نمود. در مسئله کفالت حضرت مریم علیها السلام اختلاف به وجود آمد. سرانجام زکریا که پیامبر آن عصر و به گفته‌ای شوهر خاله‌اش بود، مسئولیت کفالت او را به عهده گرفت و برای قطع نزاع، به قرعه‌کشی روی آوردنده که قرعه به نام او درآمد (طبرسی، ۱۴۱۲/۱، ۴۳۶): «فتقبلها ربها بقبول حسن وأنبتها نباتاً حستنا وكفلها زکریا كلما دخل عليها زکریا المحراب وجد عندها رزقاً قال يا مریم أنى لک هذا قالت هو من عند الله إن الله يرزق من يشاء بغير حساب» (آل عمران: ۳۷).

۵-۲-۱. پرورش مریم باکره: حضرت مریم علیها السلام با طهارت و به دور از آلوذگی، گناه و رذایل اخلاقی پرورش یافت: «وإذ قالت الملائكة يا مریم إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكَ وَطَهَرَكَ وَاصْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، يا مریم اقْنُتْ لِرَبِّكَ وَاسْجُدْ لِرَبِّكَ مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران: ۴۲ - ۴۳).

۵-۲-۲. دعا و نیایش حضرت مریم علیها السلام: «إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عُمَرَانَ رَبِّي نَذَرْتِ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مَحْرَرًا فَتَقْبَلَ مِنِي إِنْكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيُّ» (آل عمران: ۳۵).

۵-۲-۳. ایمان و تسليم در برابر اراده الهی: «قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (مریم: ۱۸). این نخستین لرזה‌ای بود که سراسر وجود مریم را فراگرفت. بردن نام خداوند رحمان و توصیف او به رحمت عامه، تشویق به تقوا و پرهیزکاری است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳/۳، ۸۴).

۵-۲-۴. نقش دعا و توکل بر خدا در تربیت فرزند: دعای مادر حضرت مریم ﷺ برای حفظ معنویت فرزندش، اهمیت دعا و توکل به خدا در تربیت دینی کودک را نشان می‌دهد: «سمیتها مریم وإنی أعيذها بک وذریتها من الشیطان الرجیم» (آل عمران: ۳۶)؛ «فتقبلها ربها بقبول حسن وأنبتها نباتا حسنا وکفلها زکریا» (آل عمران: ۳۷). همچنین، مادر حضرت مریم ﷺ فرزند خود را وقف خداوند کرد: «إذ قالـت امـرـات عـمـرـان رـب إـنـي نـذـرـت لـك ما فـي بـطـنـي مـحـرـرا فـتـقـبـل مـنـي إـنـك أـنـت السـمـيـع الـعـلـيـم» (آل عمران: ۳). این اقدامات نشان‌دهنده اهمیت نیت پاک، محیط سالم و سرپرستی صالح در تربیت دینی کودک است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۲۶/۲؛ علامه طباطبائی، ۱۳۷۸، ۲۵۹/۳).

۵-۳. حضرت مریم ﷺ و نقش مادر در تربیت فرزندان برای مواجهه با چالش‌های زندگی «أَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جَذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لِيْتَنِي مَتَ قَبْلَ هَذَا وَكَنْتْ نَسِيَا مَنْسِيَا». (مریم: ۲۳)

۵-۳-۱. اعتقاد به خداوند در سختی‌ها: حضرت مریم ﷺ با توکل به خداوند و یاری الهی، مرحله دشوار زیمان را با موفقیت پشت سر گذاشت. این رویداد نمودی از استقلال شخصیت و تربیت معنوی اوست (قرائتی، ۱۳۸۶، ۴۳/۷).

۵-۳-۲. توجه به نیازهای روحی و معنوی: رشد حضرت مریم ﷺ در محیطی سرشار از معنویت و ارتباط با خدا صورت گرفت. واژه «محراب» در این سوره نمادی از فضایی است که نیازهای روحی و معنوی او را بطرف می‌کرد: «فَنَادَاهَا مَنْ تَحْتَهَا أَلَا تَحْزَنِ...» (مریم: ۲۴).

دادستان حضرت مریم ﷺ نشان می‌دهد که تربیت دینی و اخلاقی کودکان باید شامل نیت پاک والدین، فراهم کردن محیط امن و معنوی، توجه به نیازهای عاطفی، تشویق به اخلاق نیکو، استفاده از دعا و توکل به خدا، و آموزش مقاومت در برابر چالش‌ها باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۲۸/۲؛ قرائتی، ۱۳۸۶، ۴۳/۷).

۶. مقایسه (یافته‌ها) با فقه امامیه

جدول ۱. مقایسه تطبیقی تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه و دادستان حضرت مریم ﷺ در قرآن

موضع	داستان حضرت مریم علیہ السلام	فقه امامیه	آدرس
شايسستگي سرپرست	انتخاب سرپرستي حضرت مریم علیہ السلام با قرعه‌کشی و به مشورت گذاشته شد، که در نهايت حضرت زکريا علیہ السلام شايسسته ترين فرد برای اين وظيفه شناخته شد.	باید در انتخاب سرپرست صلاحیت و شايسستگی فرد از نظر اخلاقی، تربیتی و مالی در نظر گرفته شود.	شیخ طوسی، ۷۲۳، ۱۳۶۹
تربیت اخلاقی	تربیت معنوی و اخلاقی تحت نظارت زکريا	سرپرست موظف به تربیت دینی و اخلاقی کودک باشد.	امام خمینی، ۶۲۵/۲، ۱۳۹۲
تامین نیازهای کودک	زکريا تمام نیازهای حضرت مریم علیہ السلام را تأمین کرد.	تأمین نفقة و نیازهای کودک بر عهده سرپرست است.	علامه حلی، ۱۳۴/۲، ۱۴۱۳
مسئولیت الهی	سرپرستی کودک به عنوان عنوان امانتی الهی به حضرت زکريا سپرده شد، که او این مسئولیت را با دقت و تعهد انجام داد.	سرپرستی کودک به عنوان امانتی الهی شناخته می‌شود و سرپرست باید در برابر خداوند پاسخ‌گو باشد.	کلینی، ۱۳۹۱، ۲۱۴/۲

۷. تحلیل منابع فقهی و روایات

۱- شايسستگي سرپرست

در داستان حضرت مریم علیہ السلام، حضرت زکريا علیہ السلام به دلیل شايسستگی معنوی و اخلاقی، سرپرستی حضرت مریم علیہ السلام را بر عهده گرفت: «وادکر فی الکتاب مریم إذ انتبذت من أهلها مکانا شرقیا» (مریم: ۱۶).

تحلیل: حضرت مریم علیہ السلام به دلیل تربیت صحیح در محیطی پاک، به پاکدامنی و تقوا مشهور شد. این ویژگی‌ها از کودکی در او شکل گرفت و نشان‌دهنده تأثیر تربیت صحیح در محیط امن و معنوی است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۲۳/۱۳).

نکات مهم در سرپرستی کودکان:

- خداوند سرپرستی حضرت مریم علیہ السلام را به زکريا سپرد که اهمیت انتخاب سرپرست شايسسته را نشان می‌دهد. (طبرسی، ۱۴۱۲، ۴۳۶/۲)

- پرورش نیکو: سرپرست موظف است کودک را به بهترین شکل تربیت کند. (مکارم شیرازی،

(۴۲۶/۲، ۱۳۵۳)

- شایستگی سرپرست: اخلاق و ایمان از معیارهای اصلی انتخاب سرپرست است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۲۶/۲) در روایات، به شایستگی اخلاقی، دینی و تربیتی سرپرست تأکید شده است: «من کفل بیتیما وکف یده عنه، کان له جنة الفردوس» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ص ۲۵۰).

۷-۱. شایستگی سرپرست در فقه امامیه

- سرپرست از نظر اخلاقی و دینی شایسته باشد. (شیخ طوسی، ۱۳۶۳، ۴۰/۶؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۶۹/۱؛ بحرانی، بی‌تا، ۹۳/۲۵)

- توانایی مالی و تربیتی داشته باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۷۲۶/۱)

- حقوق کودک را به طور کامل رعایت کند. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۱۳۲/۲)

- سرپرست باید عادل، امین و توانمند باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۶۲۳/۲ - ۶۲۵/۱)

- جمع‌بندی: شایستگی سرپرست مستحب و مورد تأکید فقهاست.

۷-۲. تربیت معنوی و اخلاقی

حضرت مریم ﷺ تحت تربیت حضرت زکریا علیه السلام به مقامات بالای معنوی رسید: «فتقبلها ربها بقبول حسن و آنبتها نباتاً حسناً و كفلها زکریا» (آل عمران: ۳۷)

تحلیل: خداوند حضرت مریم ﷺ را در محیطی پاک و تحت سرپرستی پیامبری صالح قرار داد.

این امر اهمیت فراهم آوردن محیط امن و معنوی برای رشد فرزندان را نشان می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۲۶/۲)

۷-۲-۱. تربیت معنوی و اخلاقی در فقه امامیه: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: کودک در هفت

سال اول زندگی به بازی سرگرم است، هفت سال دوم به تعلیم و آموزش، و هفت سال سوم به شناخت احکام حلال و حرام: «الغلام يلعب سبع سنين و يتعلم الكتاب سبع سنين و يتعلم الحلال و الحرام سبع سنين» (کلینی، ۱۳۹۱، ۴۷/۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ۴۷۳/۲۱). وظیفه سرپرست «علی

الحاضن أَن يُؤدب الطفْل وَ يَعْلَمُه مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ» (موسوي خميني، ۱۳۹۲، ۶۲۵/۲)، تربیت معنوی و اخلاقی کودکان در فقه امامیه مستحب موكد است.

۳-۷. تأمین نیازهای مادی

۷-۳-۱. تأمین نیازهای مادی حضرت مریم علیها السلام

تحلیل: روزی که خداوند به حضرت مریم علیها السلام می‌رساند، علاوه بر نیازهای مادی، نشان‌دهنده توجه به نیازهای عاطفی و معنوی اوست. حضرت زکریا علیها السلام نیز با محبت و توجه، نقش مهمی در ایجاد آرامش داشت (ر.ک.، آل عمران: ۳۷).

۷-۳-۲. تأمین نیازهای مادی کودک در فقه امامیه

تأمین نیازهای مادی کودک بر عهده سرپرست است: «النفقة على الحاضن واجبة مادام الطفل في حضانته» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۱۳۴/۲)؛ «بر سرپرست واجب است که نیازهای کودک، از جمله خوراک، پوشان و مسکن را تأمین کند» (خمينی، ۱۳۹۲، ۶۲۵/۲). آیات، روایات و نظرات فقها اثبات وجوب نفقة کودک را نشان می‌دهد.

۷-۴. مسئولیت الهی

سرپرستی حضرت مریم علیها السلام به عنوان وظیفه‌ای الهی به حضرت زکریا سپرده شد. (طبرسی، ۱۴۱۲، ۴۳۶/۱) در روایات شیعه، اهمیت سرپرستی کودکان به عنوان وظیفه‌ای الهی بیان شده است (کلینی، ۱۳۹۱، ۱۴۲/۲). امام علی علیها السلام در نامه‌ای به مالک اشتر در مورد رعایت حقوق ضعیفان و کودکان فرمود: «الله الله في الطبقة السفلية من الذين لا حيلة لهم...» (شیرف رضی، ۱۳۶۸، نامه ۵۳). طبق روایات، کودکان امانتی از طرف خدا هستند و سرپرست در مقابل این امانت مسئولیت دارد؛ بنابراین مسئولیت سرپرستی کودک واجب است.

۸. نتیجه‌گیری

بررسی تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه با تأکید بر داستان حضرت مریم علیها السلام در قرآن، ابعاد مهم جایگاه این موضوع در آموزه‌های اسلامی را روشن می‌سازد. داستان حضرت مریم علیها السلام و

سرپرستی ایشان توسط حضرت زکریا علیه السلام در قرآن کریم، الگویی از مسئولیت‌پذیری و حمایت از کودکان نیازمند ارائه می‌دهد و بر اهمیت جنبه‌های عاطفی و معنوی این وظیفه تأکید می‌کند. این داستان نشان می‌دهد که سرپرستی کودکان، علاوه بر تأمین نیازهای مادی، شامل تربیت معنوی و رشد و تعالیٰ اخلاقی و روحی آنها نیز هست. فقه امامیه با وضع قوانین دقیق و کامل، شرایط و وظایف سرپرستان را مشخص کرده و بر لزوم رعایت عدالت، محبت و تأمین نیازهای مادی و معنوی کودک تأکید دارد. تطبیق آموزه‌های قرآنی با مبانی فقه امامیه نشان می‌دهد که این دو منبع به صورت مکمل، نظامی کامل برای حمایت از کودکان نیازمند ارائه می‌کنند. در این چارچوب، سرپرستی به عنوان یک وظیفه فردی و مسئولیت اجتماعی برای تقویت بنیان‌های اخلاقی و انسانی جامعه معرفی می‌شود.

پژوهش حاضر بر ضرورت توجه به آموزه‌های قرآنی و فقهی در مواجهه با چالش‌های معاصر مرتبط با سرپرستی کودکان تأکید می‌کند. احیای این آموزه‌ها می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی برای حمایت از کودکان بی‌سرپرست، اصلاح نظام سرپرستی در جوامع اسلامی و کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر شود. الگویی که از داستان حضرت مریم علیها السلام گرفته می‌شود، می‌تواند به عنوان راهنمایی جامع برای سرپرستان و نهادهای اجتماعی در جهت تحقق عدالت، محبت و تکامل معنوی در فرآیند سرپرستی کودکان به کار گرفته شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۲). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: مؤسسه امیرالمؤمنین علیه السلام.
- * نهج البلاغه (۱۳۶۸) گردآوری: شریف رضی. مترجم: فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی. تهران: بی‌نا
- ۱. ابن اثیر جززی، مبارک بن محمد (۱۳۸۴). النهاية في غريب الحديث والأثر. دار التفسير. تهران.
- ۲. ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۳۷۵). السرائر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳. ابن زهره القیروانی (۱۴۱۷). غنیه النزوع إلى علمي الأصول والفروع. تهران: چاپ ابراهیم بهادری.
- ۴. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دار الحیاء التراث العربي.
- ۵. اجزیری، عبدالرحمن بن محمد عوض (۱۴۲۴). الفقه على المذاهب الأربعة. بیروت: دار الكتب العلمية.
- ۶. امامی، اسدالله؛ صفایی، حسین (۱۳۷۶). حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
- ۷. امینی، ابراهیم (۱۳۷۲). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: انجمن اولیاء و مریبان.

۸. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵). کتاب النکاح. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد (بی‌تا). الحدائق الناضرة بی‌جا، بی‌نا.
۱۰. تاج‌الدین شعیری (۱۳۶۳). جامع الأخبار. قم: رضی.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعۃ إلی تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل الیت لاحیاء التراث.
۱۲. حلی، احمد بن محمد بن فهد (۱۳۹۸). المذهب البارع. قم: انتشارات العطار.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۹). نهایة الأحكام فی معرفة الأحكام. قم: اسماعیلیان.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۹). قواعد الأحكام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۵. حلی، محمد بن حسن (فخرالمحققین) (۱۳۵۷). إیضاح الفوائد فی شرح الفوائد. قم: اسماعیلیان.
۱۶. حیدری، معصومه (۱۳۷۹). آداب رفتار بادخشان. کاشان: محتشم.
۱۷. خمینی، روح الله (۱۳۹۲). تحریر الوسیلة (كتاب النکاح). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع. تهران: مکتبه الصدوق.
۱۹. داودی، محمد (۱۳۸۶). سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در ترقیت دینی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۰. رازی، محمد بن أبي بکر (۱۳۱۰). مختار الصحاح. مصر: چاپ سری.
۲۱. شکیباپور، عنایت الله (۱۳۶۳). دائرة المعارف روان‌شناسی. تهران: فروغی.
۲۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۹). الروضة البهیة. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۲۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۹). مسالک الأفہام إلی تنقیح شرائع الإسلام. قم: بی‌نا.
۲۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴). من لا يحضره الفقيه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. طباطبائی، سید علی (۱۱۹۲). الرياض المسائل. قم: مؤسسه آل الیت لاحیاء التراث.
۲۶. طباطبائی، سید علی (۱۳۸۲). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل الیت لاحیاء التراث.
۲۷. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲). مکارم الأخلاق. قم: شریف رضی.
۲۸. طوسي، محمد بن حسن (۱۳۶۳). المبسوط. تهران: مکتبه المترضویه.
۲۹. طوسي، محمد بن حسن (۱۳۶۹). الخلاف. قم: انتشارات اسلامی.
۳۰. عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۱). مسالک الأفہام إلی تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإمامیه.
۳۱. عاملی، سید محمد (۱۴۱۳). نهایة المرام. قم: انتشارات اسلامی.
۳۲. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۳۶۹). اللمعة الدمشقیة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین. قم: انتشارات امامعلیان.
۳۴. علامه حلی، حسن بن مطهر (۱۴۱۳). قواعد الأحكام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). مختلف الشیعۃ. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. علامه طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). تفسیر المیزان. مترجم: نیری بروجردی، عبدالکریم. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۳۷. علامه مجلسی، محمد تقی (۱۳۴۶). یک دوره فقه کامل فارسی. تهران: بی‌نا.
۳۸. فاضل ابی، زین‌الدین (۱۴۱۰). کشف الرموز فی شرح المختصر النافع. قم: انتشارات اسلامی.
۳۹. فاضل هندی، به‌الدین محمد (۱۴۱۶). کشف اللثام عن قواعد الأحكام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۹۵). مفاتیح الشرائع. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

۴۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۶). تفسیر نور. تهران: مؤسسه فرهنگی درس‌های از قرآن.
۴۲. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲). حقوق مدنی (عقود مدنی). تهران: گنج دانش.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۱). اصول کافی. مترجم: حسین استادولی. قم: دارالثقلین.
۴۴. متقی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹). کنز العمال. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۵. مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۸). بحار الأنوار. اصفهان: مرکز القائمۃ للدراسات الكمبيوترية.
۴۶. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۰). المختصر النافع فی فقه الإمامیه. تهران: قسم الدراسات الإمامیه.
۴۷. مروارید، علی اصغر (۱۴۱۳). الینایع الفقهیه. بیروت: الدار الإسلامیه.
۴۸. معین، محمد (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۰. ملک‌زاده، فهیمه (۱۳۸۹). دانشنامه حقوقی (جلد دوم). تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۵۱. نجفی، محمد حسن (۱۳۹۹). جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۲. نوری، میرزا حسین؛ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۹). وسائل الشیعۃ و مستدرکها. قم: انتشارات دفتر اسلامی.